

شریعت - شهر اسلامی

اسلام کرمی*

استادیار دانشکده فنی و مهندسی، گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، اردبیل، ایران.

چکیده

با توجه به رابطه فرهنگ و هویت مکان‌های انسان‌ساخت (تجلی مکان به عنوان ظرف زندگی انسان‌ها) و طرح شریعت اسلامی به عنوان فرهنگ جامع و دستورالعمل سبک زندگی اسلامی در تحقق جامعه اسلامی، پرسش پژوهش، چیستی شهر از منظر شریعت اسلامی (شریعت - شهر اسلامی) است. هدف تحقیق از طرح پرسش یاد شده، با توجه به مطرح شدن بحران هویت به عنوان یکی از معضلات معماری و طراحی شهری معاصر دستیابی به انگاره شریعت - شهر اسلامی است. لزوم بازتعریف فضاهای شهری و معماری منطبق با دستورالعمل‌های شریعت اسلامی ضرورت تحقیق حاضر و بررسی تعالیم شریعت از منظر اندیشمندان معاصر شیعه ضمن توجه به مقتضیات زمان اهمیت تحقیق حاضر است. روش تحقیق، در دستیابی به سوال تحقیق، استدلال منطقی است که از طریق مطالعات اسنادی و تحلیل محتوایی متون اسلامی در انطباق با ساختار کالبدی - اجتماعی شهر مورد بررسی قرار گرفته است. نتیجه تحقیق مؤید این است که شریعت ضمن بهره‌گیری از مفهوم مقتضیات زمان، تعالیم و دستوراتی برای انسان ارائه داده که این تعالیم و دستورات قابلیت حصول و انطباق با شرایط زمانی و مکانی را داشته و جامعیت تعالیم اسلامی به حدی است که قابلیت تبیین چارچوبی نظری برای شهر که بستر فعالیت و رفتارهای انسانی است را داراست. در دستیابی به اصول و مولفه‌های تحقق‌پذیری شریعت - شهر اسلامی، با تعریف عقیده توحیدی و اخلاق کاربردی (بایدها و نبایدها و شایسته‌ها و ناشایسته‌ها)، اصول و مؤلفه‌های تحقق‌پذیری انگاره تحقیق در ارتباط انسان با معبود (اصول عقیده وحدت بخش، عبادت و وحدت معاد و معاش)، در رابطه انسان با جامعه (اصول امت واحده اسلامی، سلامت و امنیت و تعامل مستحکم اجتماعی)، در رابطه انسان با طبیعت (اصول وحدت با طبیعت، قناعت و احیای طبیعت) و در رابطه انسان با تاریخ (اصول حقیقت در واقعیت، شباهت با خود و تمایز با غیر خود و تداوم در عین تحول) ارائه شده است.

واژگان کلیدی:

شهر اسلامی، شریعت، جهان‌بینی توحیدی، محرمات و مستحبات.

* E-mail: architect_ik@yahoo.com

مقدمه

بررسی قرار گرفته است. در روش تحقیق (فرآیند انجام مطالعات اسنادی)، با بررسی مفهوم شریعت و گستره تعالیم و مقررات اسلامی در حوزه عقیده توحیدی، اخلاق کاربردی (بایدها و نبایدها و شایسته‌ها و ناشایسته‌ها)، احکام و همچنین ارتباطات انسان در شریعت (ارتباط با معبود، خویش و جامعه، طبیعت و تاریخ) که ناظر بر رفتار انسان با ارکان و مؤلفه‌های هستی‌شناسی اسلامی است، ابعاد و اصول و مؤلفه‌های انگاره تحقیق تبیین و تعریف شده است. اگرچه در روش‌شناسی تحقیق، بررسی احکام نیز بخشی از مطالعات مرتبط با این حوزه را شامل می‌شود؛ به عنوان مثال «بسیم سلیم حکیم»، در بررسی «شهرهای عربی اسلامی؛ اصول شهرسازی و ساختمانی» عوامل محیطی، تصمیمات کلان حکام و تصمیمات خرد شهروندان را به عنوان عوامل موثر در شکل‌گیری شهرهای اسلامی مورد بررسی قرار داده است (حکیم ۱۳۸۱، ۳۹). در این اثر ارزشمند بر اساس فقه شافعی به عنوان یکی از شاخه‌های فقه اهل سنت، به بررسی آثار کالبدی آن در ناحیه «مغرب» شهر تونس به عنوان یکی از نمونه‌های تقریباً دست نخورده، به توصیف و تحلیل یافته‌های فوق در ساختار کالبدی شهر پرداخته و راهبردهای ساختمانی را به عنوان زبان طراحی کالبدی شهر در اجزاء و روابط میان اجزای شهر مورد بررسی قرار داده است.^۳ در تحقیق حاضر به دلایل عربی بودن متون فقه و عدم تسلط محقق به زبان عربی، توجه به مقتضیات زمان^۴ در شریعت اسلامی و تغییر پذیری احکام در طول زمان، تقسیم‌بندی احکام به احکام اولیه و ثانویه و ماهیت ثانویه‌ای احکام اسلامی، تغییرات فقه شیعه در سال‌های اخیر^۵ و نگاه شیعه به موضوع اجماع به عنوان یکی از منابع قابل تردید در کنار قرآن و سنت و عقل (مطهری ۱۳۷۸ ب، ۲۴) به موضوع احکام پرداخته نشده است. «هشام مرتضی» نیز در بررسی اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام،

با طرح موضوع شریعت اسلامی به عنوان فرهنگ زندگی انسان مسلمان و تأثیر آن در فعالیت‌ها و رفتارها و روابط انسانی و از سوی دیگر طرح محیط به عنوان بستری برای تحقق فعالیت‌ها و فرهنگ و روابط انسانی و تنظیم رفتارهای انسانی، تحقیق حاضر انگاره «شریعت-شهر اسلامی» را مطرح می‌کند. با توجه به انگاره مطرح شده، سوال تحقیق، چستی شهر از منظر شریعت اسلامی است، شریعتی که برای تمام رفتارها و فعالیت‌های انسانی، برنامه و هدفی تعیین نموده، بدیهی است که هرگز نسبت به شهر که مکان فعالیت و رفتار انسانی است، نمی‌تواند بی‌تفاوت باشد. با چنین دیدگاهی هدف تحقیق دستیابی به اصول و مؤلفه‌هایی است که تحقق‌پذیری انگاره تحقیق را رهنمون باشد. مطرح شدن فرهنگ و هویت به عنوان موضوعات سؤال آفرین در گستره جغرافیایی جهان، در فرآیند تبدیل «قطعیت قراردادی مدرنیته»^۱ به نسبییت واقعی جهان (نقی‌زاده و دیگران ۱۳۹۰، ۶۲) استحاله مفهوم شهر و سکونت، از «انسان محوری» به «اقتصاد محوری» با کنار نهادن لایه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی در پی ورود مدرنیته در شهرهای معاصر ایران (کرمی ۱۳۹۰، ۸۶۸) از موضوعاتی است که ضرورت توجه به انگاره تحقیق را تبیین می‌نماید. ناتوانی رویکردهای عصر حاضر در حل معضلات و بحران‌های زندگی انسان معاصر^۲ و ضرورت توجه به ارزش‌های اسلامی و جهان‌بینی اسلامی در معماری و شهرسازی معاصر و توجه به این حقایق در دوران گم‌گشتگی گوهر وجود انسانی و سرگشتگی انسان (ندیمی ۱۳۷۵، ۲۱-۶)، اهمیت تحقیق در انگاره مطرح شده را تبیین می‌کند. روش تحقیق در پاسخ به سؤال و تبیین انگاره تحقیق، روش استدلال منطقی است که از طریق بررسی محتوایی متون مرتبط با شریعت در حوزه اندیشمندان اسلامی و تطبیق آن با ساختار کالبدی-اجتماعی شهر مورد

به بررسی این موضوع در گستره شریعت اهل سنت پرداخته و بیشتر به مفاهیم اجتماعی تکیه کرده است (مرتضی ۱۳۸۷). نتیجه تحقیق حاضر مؤید این موضوع است که شریعت ضمن بهره‌گیری از مفهوم مقتضیات زمان تعالیم و دستوراتی برای انسان ارائه داده که این تعالیم و دستورات قابلیت حصول و انطباق با شرایط زمانی و مکانی را داشته و جامعیت تعالیم اسلامی به حدی است که قابلیت تبیین چارچوبی نظری برای شهر که بستر فعالیت و رفتارهای انسانی است را دارا می‌باشد. با نظر به هدف تحقیق که سعی

در دستیابی به اصول و مؤلفه‌های تحقق‌پذیری انگاره تحقیق را دارد، اصول و مؤلفه‌های انگاره تحقیق، در ارتباط انسان با معبود (اصول عقیده وحدت‌بخش، عبادت و وحدت معاد و معاش)، جامعه (اصول امت واحده اسلامی، سلامت و امینت و تعامل مستحکم اجتماعی)، طبیعت (اصول وحدت با طبیعت، قناعت و احیای طبیعت) و تاریخ (اصول حقیقت در واقعیت، شباهت با خود و تمایز با غیر خود و تداوم در عین تحول) ارائه شده است.

رویکرد و روش تحقیق

رویکرد تحقیق در بازخوانی و تفسیر شهر، رویکرد «جامع‌نگر اسلامی»^۶ می‌باشد که ماهیت ساختار کالبدی شهر را سامانه‌ای متشکل از سیستم‌های ارزشی حاکم بر جامعه به طور عام و برگرفته از حکمت فراگیر و کل‌نگر اسلام به طور خاص مورد بررسی قرار داده است. با چنین رویکردی، روش تحقیق، استدلال منطقی است و روش استدلال منطقی روش قیاسی می‌باشد. «مهم‌ترین ویژگی آن تعریف سامانه، عناصر تشکیل‌دهنده آن و چگونگی ارتباط آن با سایر سامانه‌هایی است که در مجموع می‌توانند آرایه‌ای منطقی به جهان هستی بدهند» (گروت و وانگ ۱۳۸۸، ۹۲). از این رو، با تحلیل محتوایی از متون اسلامی انگاره تحقیق تبیین و اصول و مؤلفه‌های شکل‌دهنده به آن ارائه شده است. در دستیابی به روشی نظام‌مند در استدلال و گزینش محتوایی متون ضروری است تا جایگاه تحقیق در ادبیات معماری و شهرسازی تبیین و از این طریق شیوه استدلال و گزینش از متون و انتخاب متون جهت تبیین انگاره تحقیق تدقیق گردد. نخست اینکه این مقاله به دلیل طرح تئوری و انگاره به دنبال ارائه شاخص‌های کالبدی برای تحقق انگاره تحقیق نیست. دوم اینکه تحقیق حاضر با تعریف معماری

و شهرسازی به عنوان ظرف و بستر زندگی و فعالیت‌های انسانی، به دنبال سبک زندگی اسلامی است تا ارائه مصادیق معماری و شهرسازی از شریعت و سوم اینکه تحقیق حاضر، تحقیقی میان‌بخشی است. کشف و تفسیر قوانین شریعت از منابع اصلی شریعت اسلامی، نیازمند بهره‌گیری از آرای متفکرانی است که زبان شریعت را به گویش‌ها و فهم عوام تعریف و تبیین و تفسیر کرده‌اند. از این رو، تحقیق حاضر بنا به خصلت میان‌بخشی، سعی در بهره‌گیری از منابع ثانویه دارد. در این راستا روش تحقیق، استفاده از منابع ثانویه‌ای است که در جهت تدقیق موضوع از منابع شیعی معاصر بهره‌گیری کرده و در جهت فهم موارد یاد شده سعی گردیده است از اندیشمندان معماری و شهرسازی نیز مطالبی ارائه گردد. بدیهی است تحقیق حاضر در طرح انگاره خود، به شیوه گزینشی عمل کرده و دیدگاه‌های موافق را ارائه داده است. نقد و بررسی دیدگاه‌های موافق و مخالف در حوصله این مقاله نیست. هدف محقق از ارائه مصادیق اندیشمندان حوزه معماری و شهرسازی، ارائه امکان نگاهت اصول شریعت به مفاهیم معماری و شهرسازی است. با توجه به گستره تعالیم و مقررات شریعت در حوزه عقیده، اخلاق و احکام و همچنین ارتباطات انسان با اجزای هستی در هستی‌شناسی

اسلامی (ارتباط با معبود، خویشتن و جامعه و طبیعت و تاریخ) و گستره تعالیم و مقررات شریعت در حوزه‌های یادشده، اصول و مؤلفه‌های تحقیق ارائه شده است.

مبانی نظری

در این قسمت از تحقیق با نگاهی به مفهوم شریعت، به تبیین ارتباطات انسان در شریعت و گستره تعالیم و مقررات شریعت پرداخته شده است.

۱. مفهوم شریعت

با نگرش فرهنگی به موضوع دین، مفهوم شریعت مطرح می‌گردد. این نگرش به فرهنگ اسلامی از آنجا ناشی می‌شود که «اسلام دین زندگی است؛ یعنی با زندگی روزمره هماهنگ است، به همین سبب با رهبانیت مخالف است زیرا شارع مقدس فرموده است: «لارهبانیه فی الاسلام». در جوامع کهن همیشه دو رویه وجود داشته: یکی توجه خاص به زندگی بدون عنایت به آخرت و دیگری آخرت‌گرایی؛ یعنی توجه بسیار به زندگی و نشئه جهان دیگر و ترک امور عادی زندگی. شریعت اسلام زندگی هر دو جهان را مد نظر قرار می‌دهد و راه آخرت را از متن زندگی و مسئولیت‌های زندگی می‌گذراند، به همین سبب دین اوسط هم لقب گرفته و امت وسط شناخته شده است». (سلیم، ۱۳۸۰، ۱۴) بخش عمده‌ای از تعالیم اسلامی به سعادت زندگی انسان توجه داشته و دستورالعمل‌ها و قوانینی برای زندگی اجتماعی انسان‌ها و همچنین چگونگی فعالیت‌های انسانی ارائه داده است (زیباکلام، ۱۳۹۰، ۲۴۶-۲۴۷). «شریعت کلیه موضوعات عبادی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را دربرداشته و ناظر بر زندگی انسان‌ها از بدو تولد تا مرگ و تا نشئه دیگر است. علمای اسلامی هیچ موضوعی را به عنوان اینکه بلا تکلیف است تلقی نمی‌کنند. با این حال هر کجا که انجام تکلیفی

توأم با مضیقه و در تنگنا واقع شدن باشد، آن تکلیف ملغی می‌گردد (سلیم، ۱۳۸۰، ۱۳؛ مطهری ۱۳۵۸ الف، ۲۲۵). در فرهنگ واژگان فارسی نیز، شریعت به معنای تعالیم و مقررات دین به کار رفته و مراد از شریعت به معنای روش و طریقه‌ای برای زندگی انسان تبیین شده است^۷. نگاهی به مفهوم واژه «شریعت» و استعمال آن در ادبیات فقه و کلام نیز، نشانه‌ای از کاربرد این واژه به معنای تعالیم و مقررات دینی می‌باشد. به عنوان مثال طباطبایی (۱۳۸۶، ۶۶) در بیان مفهوم شریعت، این واژه را معادل با قانون به کار برده است. مطهری (۱۳۷۷ ب، ۵۵) «شریعت» را با «ایدئولوژی» مترادف دانسته و آن را اصطلاح قرآنی برای واژه «ایدئولوژی» تعبیر کرده، همچنین شریعت به معنای احکام و مقررات اسلامی تبیین شده است (مطهری ۱۳۷۸ الف، ۹۴-۹۶). خدایاری (۱۳۸۰، ۱۰۰-۱۰۱) نیز در بررسی دو رکن اساسی ادیان، شریعت را به حکمت عملی که همان مفهوم ایدئولوژی می‌باشد تعبیر نموده است. از این نظر، شریعت مجموعه‌ای از آداب و رسوم و دستورهای عملی و منهیات تکلیفی است که خداوند یا پیامبرش آن را وضع می‌کنند و مربوط به جنبه‌های رفتاری و عملی می‌شود». سیدقطب (۱۳۵۴، ۱۸) نیز اصطلاح ایدئولوژی را مترادف با دین و جهان‌بینی را مترادف با عقیده و ایمان دانسته است.

۲. شریعت و تبیین ارتباطات انسان

در تبیین ارتباطات انسان از منظر شریعت، چهار مؤلفه «ارتباط انسان با معبود»، «ارتباط انسان با خویشتن و جامعه»، «ارتباط انسان با طبیعت» و «ارتباط انسان با تاریخ» مطرح شده است. این دسته‌بندی در اکثریت منابع دیده می‌شود. به عنوان مثال، از نظر اختری (۱۳۶۱، ۲۳) موضوعات شناخت در جهان‌بینی اسلامی، شامل «خدای خالق»، «جهان»، «انسان»، «جامعه» و «زمان (تاریخ)» می‌باشد. با استناد به مطالعات انجام‌یافته، مؤلفه‌های اخلاق عملی نیز

۱۳۶۱، ۹۴؛ مطهری ۱۳۷۸، ب، ۱۵؛ طباطبایی ۱۳۹۱ الف، ۳۲). «عقیده» یا «اعتقاد» یک صورت فکری است که انسان به آن ایمان و تصدیق دارد؛ «خلق» صورت ادراکی که درون انسان جای‌گیری شده و در مواقع مناسب، در درون انسان جلوه کرده و او را به عمل وادار می‌نماید و عمل و کار مجموعه‌ای از حرکات و سکناات است که انسان با شعور و اراده، برای رسیدن به یکی از مقاصد خود روی ماده انجام می‌دهد (طباطبایی ۱۳۹۱ ب، ۱۰۸-۱۰۹). به تعبیری دیگر «انسان قرآن باید بداند: از کجا آمده است؟ به کجا می‌رود؟ در کجا هست؟ چگونه باید باشد؟ چه باید بکند؟ ... و برای آن که بداند چه باید بکند، باید یک سلسله مقررات و احکام فردی و اجتماعی را گردن نهد» (مطهری ۱۳۵۸ الف، ۲۰۲-۲۰۳). از این جهت، با نگاهی به تعالیم و مقررات اسلامی در شریعت، سه حوزه احکام، اخلاق و عقیده قابل شناسایی است. آنچه در این زمینه نیازمند توجه می‌باشد، احکام اسلامی است. احکام بخش عملی دین است. بخشی از شریعت و حکمت عملی اسلام که ناظر بر صحت یا سقم اعمال انسانی از نظر عمل می‌باشد؛ یعنی مسائل مربوط به کار و عمل که چه کارهایی و چگونه باید انجام داد (اختری ۱۳۶۱، ۹۵؛ مطهری ۱۳۷۸ ب، ۱۶). با نظر به رابطه عقیده و اخلاق و احکام، عقیده به‌عنوان بخش نظری و دربرگیرنده خط مشی اعتقادی انسان مسلمان است. اصولی که پذیرفتن آن‌ها و اعتقاد درونی و قلبی به آن‌ها مشوق و زمینه‌ساز اعمال اخلاقی و عملی انسان در تعالیم و مقررات اسلامی است. اخلاق نیز در دو بخش صفاتی و اعمال اخلاقی حلقه واسط و عامل ارتباط میان عقیده و عمل است. به‌زعم مظاهری «اخلاق هم جنبه صفاتی به خود می‌گیرد که به آن اخلاق صفاتی می‌گویند و هم جنبه عملی که به آن اعمال اخلاقی می‌گویند. ... اعمال اخلاقی از جهت حکم و جوب و حرمت، استحباب و کراهت و احیاناً ثواب و عقاب، موضوع مباحث فقهی نیز قرار می‌گیرند» (۱۳۸۷، ۷). اگرچه ممکن است احکام عملی دین، در شرایط مختلف و وابسته

در حوزه‌های ارتباط انسان با معبود، خویشتن و جامعه و طبیعت و تاریخ مورد بررسی قرار می‌گیرد. به‌عنوان مثال مصباح یزدی (۱۳۸۸، ۳۹۹) دامنه ارتباطات انسان را در ارتباط با خدای متعال، ارتباط با خود، ارتباط با طبیعت (جمادات، نباتات و حیوانات) و ارتباط انسان با انسان‌های دیگر مورد بررسی قرار داده است. طباطبایی (۱۳۹۱ الف، ۱۹۷) ارتباط انسان‌ها را، در «ارتباط با خدای متعال»، «ارتباط با خود» و «ارتباط با هم‌نوعان» مورد بررسی قرار داده است. شایان ذکر است در این بررسی «بحث کشاورزی» و «منافع آن که به «ارتباط انسان با طبیعت» مربوط است در حوزه ارتباط انسان با دیگر انسان‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. جوادی آملی «تعامل انسان با خود»، «با هم‌نوعان»، «با نظام اسلامی»، «با حیوان» و «خلقت زیست‌محیطی» مورد بررسی قرار داده است. جعفری (۱۳۸۹، ۴۵) ارتباطات چهارگانه انسان را در «ارتباط انسان با خویشتن»، «خدا»، «جهان هستی» و «انسان با انسان [دیگران یا هم‌نوعان]» مورد بررسی قرار می‌دهد. از نظر علامه اگر آزادی مغز و روان انسانی در ارتباطات مزبور به حد رشد خود برسد، عالی‌ترین مقدمه برای ابتهاج ذاتی و نهایی روح آدمی خواهد بود که هدف اعلاای حیات انسانی را دربردارد. همچنین مطهری (۱۳۷۷ ب، ۴۳-۴۴؛ ۱۳۷۸ ب، ۱۴۹-۱۵۲)، دسته‌بندی قوانین فقهی را در ارتباط انسان با خدا، با خود، با طبیعت و با انسان‌های دیگر مورد بررسی قرار داده است. قابل ذکر است در تحقیق حاضر، با توجه به اهمیت ارتباط انسان با تاریخ و به‌دلیل اهمیت هویت و رابطه آن با شهر در حوزه‌های ارتباطی یاد شده ارتباط انسان با تاریخ نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳. گستره تعالیم و مقررات شریعت

تعالیمات اسلامی از سه بخش «اعتقادات»، «اخلاقیات» و «احکام» تشکیل شده است (انوری ۱۳۶۹، ۸۵؛ اختری

به زمان‌های مختلف صورت نسبتاً متفاوتی یا صورتی منطبق با شرایط زمان داشته باشد، اخلاق عملی سیرتی است که همواره ثابت بوده و حلال محمد(ص) تا قیامت حلال و حرام محمد(ص) تا قیامت حرام است. اخلاق، مسائل و دستوراتی درباره چگونگی بودن انسان از نظر صفات روحی و خصلت‌های معنوی است (اختری ۱۳۶۱، ۹۵؛ مطهری ۱۳۷۸ الف، ۱۶). از این نظر «اخلاق و اخلاقیات، دربرگیرنده تعالیمی است که فضائل و رذائل انسانی و همچنین شیوه‌های آراستن و تزکیه نفس به فضیلت‌ها و راه‌های پیراستن و تهذیب نفس از رذیلت‌ها را ارائه می‌دهد» (مظاهری ۱۳۸۹، ۱۳). اخلاق تنها علم چگونگی زیستن نیست بلکه علم «چه بودن» نیز هست (مطهری ۱۳۷۸ الف، ۱۹۰-۱۹۲). از نظر جوادی آملی (۱۳۸۷، ۱۳۴-۱۳۵) «حکمت عملی، چون با بایدها و نبایدها ارتباط دارد، مواد و جهت و قضایای آن پنج تاست: ۱. باید صد درصد (واجب) ۲. باید غیر صد درصد (مستحب) ۳. نباید صد درصد (حرام) ۴. نباید غیر صد درصد (مکروه) ۵. چیزی که فعل و ترک آن متساوی است و هیچ یک رجحانی ندارند (مباح)....» از نظر اختری (۱۳۶۱، ۱۴) «مجموعه بایدها (واجبات)، نبایدها (محرمات) و شایدها (شایسته‌ها - مستحبات) و نشایدها (ناشایسته‌ها و مکروهات) تمام این‌ها را که در هر جامعه‌ای به شکلی مطرح است، این‌ها را می‌گویند ایدئولوژی». با توجه به طرح مقتضیات زمان و ضرورت توجه به تغییر نیازهای بشری و ثبات و تغییر در قوانین اسلام، دستیابی به احکام و مقررات شهرسازی اسلامی، نیازمند توجه به مقتضیات زمان و احکام اولیه، در وجوب و حرمت، استحباب، کراهت و اباهات می‌باشد. با استناد به گستره تعالیم و مقررات شریعت اسلامی دو حوزه زیر قابل تبیین است:

۳.۱. شریعت - شهر اسلامی، شهر عقیده توحیدی

اولین تجلی شریعت - شهر اسلامی، شهر عقیده توحیدی است. تبلور مفهوم وحدت در کثرت، تحقق مفهوم توحید است. «در جهان‌بینی وحدت‌گرا انسجام در شکل شهر، بازتابی از نظم متعالی تری است که در آن همه آفرینش به صورت یک کل واحد تجلی یافته است و هر چیز در عالم ماده انعکاسی از آن است» (اردلان و بختیار ۱۳۸۰، ۷۹). مطرح شدن کل منسجم به عنوان یکی از شاخصه‌های شهر توحیدی (بمانیان ۱۳۸۶، ۳۳) لزوم شکل‌گیری یک کل واحد از اجزای متکثر و دستیابی به فرمی که مجموعه‌ای واحد و یکپارچه از شهر، (لینچ ۱۳۷۵، ۲۲) گستره مفهوم یاد شده را در اندیشه معماری و شهرسازی تبیین کرده است. از نظر حبیبی (۱۳۷۷، ۵۲) تنوع و تکثر، ممیزه فضاها شهری است. در این تکثیر و گوناگونی، هر جزء و عنصری فارغ از دیگر اجزا و عناصر، هویت شخصیت و معنای خویش را دارد. در عین آن‌که هر جزء تشکیل‌دهنده و هر فضا شخصیت و معنای خود را دارد اما در مجموعه همبسته‌اش و در استقرار در کل، روی به وحدت و یگانگی دارد و گرایش به ایجاد کلیتی یکپارچه و همبسته. در این جمع شدن و همسانی، کل دارای هویتی یگانه می‌شود و شخصیتی خاص ارائه می‌دهد فارغ از چگونگی ترکیب اجزاء و عناصرش. به‌زعم براتی (۱۳۸۳، ۱۷) در شکل‌گیری یک کل، چیزی بیش از جمع ساده اجزاء مشارکت داشته و شکل‌گیری کل تنها حاصل تجمیع اجزا نیست. از نظر تولایی (۱۳۸۱، ۶) هر اثر هنری بسته به درک و تجربه سازنده آن از نظام آفرینش، زیبایی خود را متظاهر می‌کند. پس هرچه ادراک او به وحدت حقیقی نزدیک‌تر باشد، اثر او نیز وحدت الهی را بیشتر نمایان می‌سازد.

۳.۲. شریعت - شهر اسلامی، شهر اخلاق عملی (بایدها و نبایدها و شایسته‌ها و ناشایسته‌ها)

دومین تجلی شریعت - شهر اسلامی، بعد اخلاق عملی (محرمات و مستحبات) یا اعمال اخلاقی است. به‌زعم

ناشایست‌ها و مستحبات) و به اصطلاح فقها در دو حوزه محرّمات و مستحبات قابل تبیین است. بر این اساس، اصول و مؤلفه‌های هدایت‌بخش ساختار کالبدی شهر از منظر شریعت، در چهار حوزه ارتباطی و در استناد به به رویه ارتباطات در دو حوزه عقیده و اخلاق عملی قابل بررسی است.

۴.۱. ارتباط انسان با معبود و تبیین اصول و مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری آن

در رابطه انسان با معبود، اصول عقیده وحدت‌بخش، عبادت و وحدت معاد و معاش قابل بررسی است:

• اصل عقیده وحدت‌بخش (معبود در جهان‌بینی توحیدی و نقش ساختار کالبدی شهر در تبیین آن)

«اسلام بیش از هر چیزی دین توحید است، هیچ‌گونه خدشه‌ای را در توحید چه توحید نظری و چه توحید عملی نمی‌پذیرد. اندیشه‌ها و رفتارها و کردارهای اسلامی از خدا آغاز می‌شود و با خدا پایان می‌یابد، از این رو، هر نوع ثنویت یا تثلیث یا تکثیری را که به این اصل خدشه وارد آورد به شدت طرد می‌کند؛ از قبیل ثنویت خدا و شیطان یا خدا و انسان یا خدا و خلق. هر کاری باید تنها با نام خدا، اندیشه خدا، به سوی خدا و برای تقرب به خدا آغاز شود و انجام پذیرد و هر چه جز این باشد از اسلام نیست. در اسلام همه راه‌ها به توحید منتهی می‌شود، اخلاق اسلامی از توحید سرچشمه می‌گیرد و با توحید پایان می‌یابد. تربیت اسلامی، سیاست اسلامی، اقتصاد و اجتماع اسلامی نیز همین طور» (مطهری ۱۳۵۸ ب، ۲۳۱). هدف محقق در تعریف این اصل، نقطه پرگار وحدت در ساختار کالبدی شهر است اگرچه شهر می‌تواند وحدت خود را از طریق عناصر کالبدی حفظ نماید با این حال عامل وحدت‌بخش، تجلی عقیده توحیدی در نمادهای الهی است. در چنین دیدگاهی، با توجه به کشف معنای نهفته محیط، طی فرآیند

سیفیان (۱۳۷۴، ۵۸) احصاء ویژگی‌های زندگی اسلامی که به معماری اسلامی ارتباط پیدا می‌کند مانند چگونگی محل سکونت، محل عبادت و تجارت ضروری است چون اسلام برای زندگی، سخن بسیار دارد و باید جهات عمده مورد سفارش و یا تایید اسلام را شناخته و سپس ایده‌های طراحی را برای ایجاد فضاهای مورد نیاز بر آن‌ها استوار کرد. به‌زعم عزیزاده و حبیبی (۱۳۹۰، ۷۵-۷۶) «نحوه شکل‌گیری اصول طراحی شهری سنتی اسلامی عمدتاً به ارزش‌ها و اعتقادهای فرهنگی اسلام وابسته است. این موضوع قاعدتاً در ماهیت احکام اسلامی ریشه دارد. به‌طوری که کلیه جنبه‌های زندگی مسلمانان را تحت‌الشعاع قرار داده است. به همین خاطر است که دین اسلام بیشتر از ایمان معنوی به عنوان شیوه زندگی شناخته شده است... واقعیت احکام اسلامی را می‌توان در همه سطوح زندگی و محیط‌های ساخته شده مسلمانان جستجو کرد و به القای بعد معنوی با شخصیت مذهبی خاص، در کلیه شهرهای تاریخی اسلام منجر شده است». به‌زعم مرتضی (۱۳۸۷، ۹۴) «تقویت کاربرد شریعت در زمینه ساخت محیط، از طریق اجتناب از آنچه خداوند و پیامبرش منع نموده‌اند و انجام آنچه به آن دعوت کرده‌اند لازم است در برنامه‌ریزی و ساماندهی اجتماعی پیوندی همیشگی با قرآن داشته باشند».

۴.۲. دستیابی به اصول و مؤلفه‌های شریعت - شهر اسلامی

با توجه به آنچه در حوزه ارتباطات انسان در شریعت اسلامی مورد بررسی قرار گرفت، شریعت اسلامی سبک زندگی اسلامی را در چهار حوزه رابطه انسان با معبود، خویشن و جامعه، طبیعت و تاریخ ارائه داده است. در هر شیوه ارتباطی انسان، رویه ارتباط در حوزه عقیده توحیدی (تعریف ارکان هستی از منظر جهان‌بینی توحیدی) و اخلاق عملی (بایدها و نبایدها: محرّمات و شایست‌ها و

الهام(واکنش تقریباً آنی نسبت به شکل‌ها و الگوهای محیط در ذهن) و شناختی ادراکی(رمزگشایی از اشارات محیطی)(ماتلاک ۱۳۷۹، ۹۶-۹۱) و تأثیر محیط از طریق روابط میان اجزاء در ذهن انسان در نهایت مطرح شدن فضا به عنوان معراج خودآگاهی انسان و فضای سیر و صورت متعالی، فضای تفکر، توجه و ذکر و حضور و زیارت حضرت حق است(نقره کار ۱۳۸۰، ۱۸۱-۱۹۸). از این رو، هر جهتی می‌تواند به ساخت کالبدی شهر وحدت بخشد، با این حال تنها جهت قبله است که می‌تواند مایه آرامش و تسکین انسان و هم عامل وحدت نمادین شهر باشد(بمات ۱۳۶۹، ۳۰-۳۱). همچنین هر بنایی می‌تواند شهر را در سیطره خویش در آورده و وحدت بخشد، با این حال آنچه عامل وحدت است، نماد الهی مسجد در زمین و استحاله واژه «وحدت» به «توحید» است(نقی‌زاده و دیگران ۱۳۹۰، ۶۶). «شهر اسلامی در پی آن است تا زندگی مادی دنیا را زمینه‌ای سازد برای توجه به معنویت و اصل و هدف مقرر شده برای زندگی و حیات انسان»(نقی‌زاده ۱۳۷۷، ۵۵).

• اصل عبادت(بایدها و نبایدهای انسان در رابطه با معبود و نقش ساختار کالبدی شهر در تبیین آن)

محور ارتباط انسان با معبود، نیاز انسان و زیباترین مفهوم خلقت یعنی بندگی است. طباطبایی(۱۳۹۱ الف، ۱۹۸-۲۰۰) وظایف انسان در برابر خدای متعال را در دو مفهوم «خداشناسی» و «خداپرستی» تبیین کرده است، از این نظر پرستش خداوند متعال و پرهیز از کفر و شرک و رعایت هر چیزی که منسوب به خدا و اولیای دین نظیر رعایت ادب در ذکر نام اولیاء، احترام به کتاب خدا و کعبه مشرفه و مساجد و اعیان مقدسه اولیای دین را به عنوان وظایف انسان تبیین کرده است. [«انسان در جامعه آرمانی اسلام»]، معتقد است که خدای متعال به وسیله تنزیل وحی و تنزیل آیات با انسان ارتباط برقرار نموده و انسان باید با دعا و مناجات و نماز و سایر مناسک و شعائر عبادی با او ارتباط

داشته باشد و نیز معترف است که خدای متعال، رب(پروردگار) اوست و او عبد(بنده) خدای متعال است. خدای متعال قوه و قدرت، سلطه و جبروت و شوکت و جلال مطلق دارد و انسان باید نسبت به او نهایت ضعف و عجز، پیروی و فرمان‌برداری و خضوع و خشوع داشته باشد. انسان نباید در برابر خدای متعال اظهار عجب و کبر، نافرمانی و سرکشی و بی‌نیازی و استقلال کند. مهم‌ترین خصیصه جامعه آرمانی اسلام، یگانه‌پرستی و نفی کفر و شرک است. و اساساً هدف آفرینش انسان‌ها و غرض از همه امور و شئون فردی و اجتماعی زندگی آدمی همانا خداشناسی، خداپرستی و ارتباط هر چه نزدیک‌تر و استوارتر میان خدای متعال و بشر است. این غرض و مقصود باید همواره ملحوظ باشد و همه افعال انسان در جهت نیل به آن تنظیم گردد(مصباح یزدی ۱۳۸۸، ۳۹۹-۴۰۱). تأکید ویژه دین اسلام به عبادت و تأثیر آن در تزکیه و تطهیر روح(رهنما ۱۳۸۴، ۱۱۶) مطرح شدن عبادت به اوج حریت و آزادگی انسان در عبودیت و بندگی حضرت احدیت(نقی‌زاده ۱۳۸۶، ۳۱۸-۳۲۳) تبیین هدف نهایی از معماری و برنامه‌ریزی شهر اسلامی در شکوفا نمودن جوهره انسان و رهنمون انسان به کوی تکامل(اخوت و دیگران ۱۳۸۹، ۲۶۱-۲۶۲) ضرورت توجه به این را در ساختار اجتماعی - مکانی شهر تبیین می‌کند.

• اصل وحدت معاد و معاش(نشایست‌ها و ناشایست‌های انسان در رابطه با معبود و نقش ساختار کالبدی شهر در تبیین آن)

اسلام دین زندگی است یعنی با زندگی روزمره هماهنگ است. به همین سبب با رهبانیت مخالف است(سلیم ۱۳۸۰، ۱۴). اسلام آخرت‌گرایی را در متن زندگی‌گرایی قرار داده و راه آخرت از متن زندگی و مسئولیت‌های زندگی دنیایی می‌گذرد(سلیم ۱۳۸۰، ۱۴؛ مطهری ۱۳۵۸، ۲۲۵). در توجه به این موضوع «از عوامل و

زمینه‌های ناعادلانه در محیط‌های شهری زمینه‌های سوق- دهنده انسان به سمت شرک، کفر و تباهی است. فشار روانی مضاعفی که از سوی ساخته‌های انسان مثل عمارات، معابر، اشکال، رنگ‌ها، عملکردها بر انسان و به‌ویژه بر روان او وارد می‌شود، یکی از مشکلات شهرهای معاصر است. این فشارها که او را به سمت جنبه‌های مادی حیات سوق می‌دهند، گاهی تحقیرکننده انسان هستند و در بعضی موارد تهییج‌کننده و محرک نیازهای مادی وی هستند، گاهی او را می‌ترسانند و به وحشت دچار می‌نمایند، زمانی به عنوان جلوه‌ای از اقتدار دیگران ظهور نموده و عامل رشد از خود بیگانگی در انسان می‌شوند (نقی‌زاده و امین‌زاده ۱۳۸۱، ۲۶).

جامعه نیز در اسلام، با مفهوم امت واحده اسلامی بیان شده است. به‌زعم سید قطب (۱۳۵۴، ۲۱-۲۳)، حزب‌الله نام گروهی است که بر اساس ایدئولوژی اسلامی، همبستگی شدیدی میان افراد (مؤمنین) با خدا و رسول برقرار شده که همان تولی است. هر همبستگی که بر اساس اهداف الهی نباشد حزب نیست. امت یعنی شعاری متحرک، همچون ریشه و ساقه گیاه، عناصری برای تأمین مایحتاج مادی ولو از راه غزوات و عناصری برای پی‌ریزی و استقرار آن در زمین اجتماع و عناصری برای گسترش آن و بیشتر سایه افکندن بر سر مردم. امت زیربنای دولت اسلامی است. از این رو، هر فرد همه ارتباطاتش را با سایر افراد بر اساس دو اصل قسط و عدالت و احسان مبتنی می‌کند؛ مقتضای اصل قسط و عدالت این است که هر فرد حقوق و اختیارات و نیز تکالیف و وظایف خود و دیگران را همواره ملحوظ و در مقام عمل رعایت می‌کند (مصباح یزدی ۱۳۸۸، ۴۰۲).

۲.۴. ارتباط انسان با خویشتن و جامعه و تبیین اصول و مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری آن

در رابطه انسان با خویشتن و جامعه، اصول امت واحده اسلامی، لاضرر و لاضرار و تعامل اجتماعی مستحکم قابل بررسی است:

• اصل لاضرر و لاضرار (بایدها و نبایدهای انسان در رابطه با جامعه و نقش ساختار کالبدی شهر در تبیین آن)

برابری انسان‌ها بر حسب گوهر و ذات در اسلام (مطهری ۱۳۵۸ الف، ۲۳۲)، تبیین جامعه اسلامی به جامعه‌ای بی‌طبقه بر مبنای تقوا و عمل و نه نژاد و زور و مال (سید قطب ۱۳۵۴، ۴۱)، تبیین «برابری اجتماعی از طریق تساوی‌ها و برابری‌ها و برادری‌ها با ایجاد امکانات مساوی برای عموم و تعلق مکتسبات هر فرد به خودش و سلب امتیازات موهوم و ظالمانه» (طباطبایی ۱۳۸۶، ۸۱-۸۴؛ سبحانی ۱۳۶۱، ۳۳۰-۳۳۱؛ شریعتی ۱۳۵۸، ۸۰؛ مطهری ۱۳۷۷ الف) و طرح مفهوم «اصالت فرد و جامعه» در اسلام (طباطبایی ۱۳۸۶، ۱۵)، ضرورت توجه به این اصل را تبیین می‌کند. توجه به سلامتی و شرافت و حیثیت انسان و امنیت جانی و روحی و روانی افراد جامعه در قوانین شریعت (دستغیب ۱۳۶۱، ۳۸۶-۳۸۷؛ تجلیل ۱۳۸۹)، مطلق و عام بودن قوانین اسلامی را تا جایی که مستلزم ضرر و

• اصل امت واحده اسلامی (جامعه در جهان بینی توحیدی و نقش ساختار کالبدی شهر در تبیین آن)

در اسلام انسان جایگاه ویژه‌ای دارد. «خلافت الهی انسان و تبلور کامل روح الهی در انسان و معرفی انسان به عنوان اشرف مخلوقات» (محمدی ری شهری ۱۳۸۶، ۱۰۳) «عبد و بندگی انسان در برابر حق به‌عنوان استعاره کانونی انسان‌شناسی قرآن» (شریعتی ۱۳۵۸، ۸۴) «جایگاه الهی انسان» از طریق به‌کارگیری قوای نفسانی در نیل به قوای روحانی، رسیدن به مقام قرب الهی و هم‌جواری با خداوند، کرامت ذاتی انسان در ابعاد اجتماعی، ذاتی و اکتسابی و قابل احترام بودن انسان فارغ از موضوعات دینی، نژادی، اقتصادی و غیره» (عمید زنجانی و توکلی ۱۳۸۶، ۱۶۴)، «ساحت‌های حیات انسانی و راز آفرینش دوگانه انسان» (اجلی ۱۳۸۴، ۲۳-۵۰) مصادیق این موضوع است.

زیانی نباشد تعیین کرده است (سلیم ۱۳۸۰، ۱۵؛ مطهری ۱۳۵۸، ۲۲۶). قاعده «لاضرر» به عنوان یکی از قواعد فقهی و حقوقی اسلام، برای جلوگیری از تزاممی است که موجب ضرر به خود یا دیگران می‌باشد (ولایی ۱۳۹۰، ۵۶). قوانین شریعت، با حفظ سلامت و امنیت انسان‌ها نه تنها به حقوق زنان نیز اهمیت داده بلکه جایگاه اجتماعی زنان را دامنی برای معراج رفتن مردان بیان کرده است. شریعت برای سلامت روح و روان انسان حریمی میان زن و مرد تعریف کرده است. حفظ عفت از واجباتی است که اسلام به طور مؤکد به‌ویژه از زنان خواسته و ترک این واجب در بعضی از موارد گناهی به اندازه‌ای بزرگ است که مثل آن در اسلام بی‌ظنیر یا کم‌ظنیر است (مظاهری ۱۳۷۸، ۱۱-۱۰). از نظر مطهری (۱۳۹۰، ۷۳) وظیفه پوشش که اسلام برای زنان مقرر کرده بدین معنی نیست که زنان از خانه بیرون نروند. زندانی کردن و حبس زن در اسلام مطرح نیست. «اسلام نه می‌گوید که زن از خانه بیرون نرود و نه می‌گوید که حق تحصیل علم و دانش ندارد و نه فعالیت اقتصادی خاصی را برای زن تحریم می‌کند. اسلام هرگز نمی‌خواهد زن بیکار یا بی‌عبار بنشیند و وجودی عاطل و باطل بار آید» (همان، ۸۴). شریعت در حفظ حرمت و جایگاه زن، حفظ جایگاه خانواده و سلامت جامعه در آسیب‌های اجتماعی ناشی از آزادی‌های جنسی و ظایفی را برای زنان مقرر کرده است. شایستگی عدم حضور و عدم وجود اختلاط زن و مرد، بیرون نرفتن از خانه در مواقع خلوت ظنیر آخر شب و بعد از طلوع فجر و مانند اینها، مواجهه و روبه‌رو شدن زن و مرد نامحرم به اندازه ضرورت (مظاهری ۱۳۷۸، ۱۸-۱۵)، اجتناب از نظر کردن به ریه، اجتناب از تجسس در زندگی خصوصی مردم (نظر در نامه کسی بدون رضایتش)، اجتناب از عدم رعایت حجاب و حیا، اجتناب از نظر به خانه کسی بدون رضایتش، اجتناب از پوشیدن لباس ابریشم و طلا برای مردان و اجتناب از تشبه زنان به مردان و مردان به زنان (دستغیب ۱۳۶۱، ۳۸۶-۳۸۷؛ تجلیل

۱۳۸۹) از قوانینی است که شریعت برای حفظ سلامت و امنیت جامعه اسلامی تدوین کرده است. تلقی از مفهوم محرمیت به حریم و مصونیت و امنیت و تامین آرامش و آسایش فرد (سیفیان و محمودی ۱۳۸۶، ۶)، جداسازی حریم خصوصی فرد از انظار عمومی و تبیین عریانی و بی‌پرده زیستن به عنوان مشخصه زندگی حیوانات و انسان‌های وحشی و ضرورت حفظ حجاب تن و حجاب خانه (اخوت و دیگران ۱۳۸۹، ۲۶۱-۲۶۲)، ضرورت توجه به این اصل را تبیین می‌کند.

• اصل تعامل اجتماعی مستحکم (شایست‌ها و ناشایست- های انسان در رابطه با جامعه و نقش ساختار کالبدی شهر در تبیین آن)

این اصل از تحقیق، بیش از آنکه اصلی کالبدی باشد، مضمونی اجتماعی و انسانی دارد. از نظر طباطبایی (۱۳۹۱ الف، ۳۶۴-۳۶۶)، یکی از افتخارات اسلام مسئله عبادت و عدم محدودیت مکانی برای آن برخلاف تاکید مذاهب دیگر به عبادت در معابد است. به همین مناسبت شارع اسلام نماز و روزه را در مرحله اول فردی قرار داده است، به این معنا که از هر فرد انجام آن‌ها را خواسته و آن را منوط به حضور جماعت نکرده اما در مرحله بعد فواید اجتماعی آن عبادات را هم از نظر دور نداشته و جنبه اجتماعی به آن‌ها داده است به عنوان مثال در نماز حضور در جماعت، به طور استجاب تشریح شده و سنت قرار گرفته است. روزه با اینکه عملی فردی است، نماز فطر وظیفه‌ای اجتماعی است. حج با اینکه فردی است، اما به دلیل حضور مسلمانان در یک نقطه و امکان باخبر بودن از حال یکدیگر مضمونی اجتماعی دارد، نماز عید قربان نیز اینگونه است. این اجتماعات بهترین وسیله برای حل اختلاف طبقاتی است و این خاصیت در پرستش دسته‌جمعی حق بر وجه اکمل موجود است. بر این اساس توصیه به تنظیم شعائر اسلامی و ساختمان مسجد و شرکت در جماعت مسلمین به عنوان ویژگی‌های محله

تبعیت از نظم جهانی به منزله تسلیم هنرمند در برابر شریعت الهی (بورکهاردت ۱۳۷۰، ۲۸) و مطرح شدن طبیعت به عنوان الگوی صفات نظم در فعالیت‌ها و انتظام محیط انسان‌ساخت (نقی‌زاده ۱۳۸۵، ۳۰۲-۳۰۳) ضرورت توجه به این اصل را تبیین می‌نماید. «هرچه زیبایی هست همه از اوست و هرچه خوبی و روشنایی هست، همه نزد اوست و او همه زیبایی است و همه‌اش زیبایی است» (موسوی خمینی ۱۳۷۱، ۵۷). از این رو «شهر اسلامی در شکل‌گیری و گسترش خویش از قوانین حاکم بر عالم وجود همچون عدالت، نظم، تعادل، توازن، هماهنگی، سلسله‌مراتب و غیره بهره می‌گیرد و بر ضد طبیعت و مخرب آن و در یک کلام، عامل فساد در طبیعت نبوده و بالعکس عامل و وسیله اصلاح و عمران زمین است» (نقی‌زاده ۱۳۷۷، ۵۵).

• اصل قناعت (بایدها و نبایدهای انسان در رابطه با طبیعت و نقش ساختار کالبدی شهر در تبیین آن)

شریعت اسلامی در حوزه تقوی و پرهیز از گناهان کبیره (محرمات) به موضوعاتی نظیر پرهیز از اسراف، کفران نعمت، تبذیر (دستغیب ۱۳۶۱، ۳۸۶-۳۸۷)، اتراف یا زیاده‌روی در تنعم، فساد در زمین (تجلیل ۱۳۸۹) اشاره کرده است. از نظر علامه مطهری (۱۳۵۸ ب، ۲۲۸) تسلط مردم بر اموال خود منوط به محدوده‌ای است که اسلام تعریف کرده و تضييع مال به هر شکل و به هر صورت، به شکل دور ریختن، بیش از حد نیاز مصرف کردن، صرف در اشیای لوکس و تجمل‌های فاسد کننده که در زبان اسلام از آن‌ها به «اسراف» و «تبذیر» تعبیر شده، حرام و ممنوع است. اسراف به معنای صرف مال در معصیت و اقتار که مقابل آن است به معنای خودداری از ادای حق است (تجلیل ۱۳۸۹، ۴۱۸). صرف مال در آنچه به بدن انسان ضرر برساند، ضایع کردن مال و بی‌فایده کردن آن، مانند روشن کردن چراغ در روشنایی، به اندازه نیاز مصرف نکردن و تباہ کردن مانده یک چیز، دادن مال دست سفیه و صرف کردن مال در

مطلوب بیان شده است (نقره کار ۱۳۸۷، ۵۳۴). گذشته از این مراسم و آیین‌های اسلامی نیز وجهی اجتماعی دارند. دلیل پذیرش مراسم نوروز و یلدا در شرع اسلام، به‌خاطر وجه اجتماعی آن‌ها است. تعریف شاخصه‌های اجتماعی به عنوان شرط کافی شهر از دیدگاه اسلام، در کنار بزرگی و جمعیت به عنوان شرط لازم (اخوت، الماسی فر و بمانیان ۱۳۸۹، ۲۶۱) ضرورت توجه به رابطه انسان با جامعه را به عنوان یکی از معیارهای شهر اسلامی تبیین می‌کند. از نظر بحرینی و تاج‌بخش (۱۳۷۸، ۲۸) در شهر سنتی ایرانی، اصل مذهبی صله ارحام در تعیین محدوده‌های شهری و محلات نقشی اساسی داشت. تقسیمات شهری باید آن‌چنان می‌بود که دیدار از دوستان و آشنایان و آگاهی از وضعیت ایشان به راحتی میسر باشد. خانه امن‌ترین و خصوصی‌ترین قلمرو زندگی اعضای خانواده و مکان پذیرایی از مهمانان و بستگان بوده، سکوها و هشتی‌ها مکان ارتباط با همسایگان را فراهم می‌نموده است. گذرهای اصلی و مرکز محله، قلمرو ساکنین محله و یا به عبارتی هم محله‌ای‌ها محسوب می‌شد و مرکز شهر و میداين بزرگ قلمرو تمامی اهل شهر به‌شمار می‌رفت. ارتباطات محدودتر اما پرمحتواتر بود. فرد با همسایگان آشنا و این امر پیوند خانوادگی، مناسبات همسایگی و ارتباطات را نزدیک‌تر می‌کرد. او نسبت به خانواده و اطرافیانش مسئول و در شادکامی و اندوه ایشان شریک بود.

۳.۴. ارتباط انسان با طبیعت و تبیین اصول و مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری آن

در رابطه انسان با طبیعت، اصول وحدت با طبیعت، قناعت و احیای طبیعت قابل بررسی است:

• اصل وحدت با طبیعت (طبیعت در جهان بینی توحیدی و نقش ساختار کالبدی شهر در تبیین آن)

محرمات، مانند محرمات شرعی و صرف مال در مواردی که ظلمی دربرداشته یا ستمی به مسلمان وارد می‌آید (دستغیب ۱۳۶۱، ۸۵-۸۷)، از دیگر مواردی است که در این زمینه قابل توجه است. از این رو «همه اجزای زندگی شهر اسلامی چنان طرح‌ریزی شده‌اند که از عواملی که طبیعت در اختیار آدمی گذاشته حداکثر بهره‌برداری را داشته باشد. رعایت اعتدال و ممنوعیت اسراف و تبذیر بهره‌گیری اصولی از طبیعت را امری ستودنی و بهره‌برداری تشدید می‌کند و مسرفانه را امری ناپسند شمرده است» (سعیدی رضوانی ۱۳۷۲، ۳۷-۴۱).

• اصل احیای طبیعت (شایسته‌ها و ناشایسته‌های انسان در رابطه با طبیعت و نقش ساختار کالبدی شهر در تبیین آن)

اسلام طبیعت را مظهر صفات الهی و وسیله ارتزاق و بهره‌وری انسان دانسته است (رستمی ۱۳۸۶، ۱۳۸-۱۷۷). «در جامعه آرمانی هر فرد برای خود در قبال طبیعت - یعنی جمادات، نباتات و حیوانات- دو موضع بسیار مهم قائل است: یکی امانت‌دار خدای متعال بودن و دیگری خلیفه و جانشین او بودن. به دیگر سخن، هر فرد حتی المقدور هم می‌کوشد که نعمت‌های الهی در طبیعت ضایع و تلف نشود و حرث و نسل هلاکت و نابودی نیابند و هم تا آنجا که در توان دارد تلاش می‌کند که موجودات طبیعی رشد و کمال یابند و قوا و استعداداتشان هر چه بیشتر و بهتر به فعلیت و شکوفایی برسد. در جامعه آرمانی آدمیان در مواجهه با طبیعت هم امانت‌دارند و هم خلیفه‌الله؛ و برای اینکه از عهده این دو امر خطیر و مهم به خوبی برآیند، هم احکام و تعالیم الهی مربوط به این زمینه را و هم علوم و فنون و صنایع و حرف ذی‌ربط را هر چه بیشتر و بهتر آموخته‌اند» (مصباح یزدی ۱۳۸۸، ۴۰۲). از نظر «جوادی آملی» در بررسی تعامل انسان با طبیعت، «با توجه به خلیفه‌اللهی انسان، زمانی نعمت‌ها و امکانات در راستای هدف آفرینش قرار می‌گیرند

که از آن‌ها به درستی بهره‌برداری و از افراط و تفریط پرهیز شود... انسان باید بداند که محیط‌زیست متعلق به همگان است و وظیفه دارد که در حفظ و آبادانی و احیای آن بکوشد تا خود نیز بتواند از مواهبش برخوردار شود... در آموزه‌های دینی توجه ویژه‌ای به محیط‌زیست شده و برای کسانی که در احیاء و نگهداری آن می‌کوشند، پاداش معنوی و مادی فراوانی ذکر شده است...» (جوادی آملی ۱۳۹۱، ۶۸۷). به‌زعم امین‌زاده و نقی‌زاده (۱۳۸۱، ۳۰-۳۱) جملگی ذرات عالم هستی به پیروی از اصولی که منبعث از عدل الهی است به راهی که باید می‌روند. طبیعت نیز یکی از اجزای عالم است که قلمرو حیات انسان به شمار می‌رود. انسان در طبیعت تصرف نموده و با مواد و قوانین آن، محیط مصنوع را بنا می‌کند. «از منظر قرآن پیاده‌روها باید به گونه‌ای طراحی شوند که مردم در کمال آسایش و آرامش در آن تردد کنند. حداقل این است که باید با درختان شمر و غیره شمر پوشش داده شوند. تنها شهر نیکویی که خدای تبارک و تعالی مثال زده است شهری است که در مسیری به طول ده روز پیاده‌روی، به لحاظ پوشش درختان آفتاب نمی‌دیدند» (اخوت و دیگران ۱۳۸۹، ۲۶۱-۲۶۲).

۴.۴. ارتباط انسان با تاریخ و تبیین اصول و مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری آن

در رابطه انسان با معبود، اصول حقیقت در واقعیت، شباهت با خود و تمایز با غیر خود و تداوم در عین تحول قابل بررسی است:

• اصل حقیقت در واقعیت (تاریخ در جهان‌بینی توحیدی و نقش ساختار کالبدی شهر در تبیین آن)

عقیده توحیدی هویت انسان را هویت الهی و رسم تاریخ را در حقیقت‌جویی تبیین می‌کند. از نظر مطهری (۱۳۸۹، ۷۴-۶۷) «انسان همان‌طور که به حکم قانون «محاکاه»، تحت تأثیر رفتار و تصمیمات و خلق و خوی و

• اصل شباهت با خود و تمایز با غیر خود(بایدها و نبایدهای انسان در رابطه با تاریخ و نقش ساختار کالبدی شهر در تبیین آن)

«انسان» در شریعت از شباهت به بیگانگان نهی گردیده است. محمدی ری شهری (۱۳۸۷، ۱۳) اثرات شباهت به بیگانگان را در آثار اجتماعی و روانی آن شناسایی نموده است. ممنوعیت تشبه به غیر مسلمانان به دلیل آثار سوء روانی و اجتماعی آن از نظر اسلام و در خصوص معماری مساجد با اشاره به نهی پیامبر اسلام از کنگره‌سازی به دلیل همانند شدن مسجد به معابد یهود و نصارا و همچنین از بین بردن محراب‌هایی شبیه قربانگاه‌های یهود توسط حضرت علی(ع) (محمدی ری شهری ۱۳۸۷، ۱۳؛ جوادی آملی ۱۳۹۱، ۵۶۵) از دلایل مؤثر در تبیین موضوع یاد شده است. پرهیز از مشارکت در مراسم اهل ذمه به دلیل تأثیر فرهنگ و اعتقادات آنان بر مسلمانان، نهی از شبیه شدن به اهل کتاب (جوادی آملی ۱۳۹۱، ۳۱۴) نهی از تشبه به کفار در غذا خوردن و پوشش و خود را به شکل آن‌ها درآوردن (جوادی آملی ۱۳۹۱، ۳۱۸) از مصادیقی است که در نگاه اسلام به مفهوم تاریخ می‌توان جست. شریعت- شهر اسلامی، شهر هویت است. شهری که زمینه‌ساز شباهت انسان به غیر و زدوده شدن ارزش‌ها و تحقق دگر ارزش‌ها یا ضد ارزش‌ها نیست. حفظ ارزش‌های فرهنگی در بهره‌گیری از علوم و فنون (نقی‌زاده ۱۳۷۷، ۵۸) عدم تقلید از ساختمان‌های مشرکان و غیر مسلمانان در شهر اسلامی (اخوت و دیگران ۱۳۸۹، ۲۶۲) از مواردی است که توجه به اصل یاد شده را تبیین می‌نماید. از نظر بحرینی با نظر به اینکه بحث طراحی شهری به عنوان یک حرفه و رشته جهانی مطرح بوده، این حرفه پس از عبور از یک سطح عمومی جهانی که متکی بر فطرت انسان‌هاست، وارد سطح فرهنگی جوامع شده و تحت تأثیر و خصوصیات آن شکل گرفته و تعریف می‌شود. از نظر بحرینی، در چارچوب زبان طراحی شهری خودی، مسجد، تکیه، بازار، چارسوق

همنشینی مردم هم‌زمان خود واقع می‌گردد و همان‌طور که زندگی عینی مردم هم‌زمانش برای وی درس‌آموز و عبرت-آمیز می‌گردد و بالاخره همان‌طور که از مردم هم‌زمان خود ادب و راه و رسم زندگی می‌آموزد و احیاناً لقمان‌وار از بی‌ادبان ادب می‌آموزد که مانند آن‌ها نباشد، به حکم همین قانون از سرگذشت مردم گذشته نیز بهره می‌گیرد». عقیده توحیدی علل وقایع تاریخی از منظر ایمان مورد بررسی قرار می‌دهد. رد مادیت تاریخی، طرح ایمان به عنوان نیروی محرکه تاریخ (مطهری ۱۳۸۹؛ شریعتی ۱۳۵۸، ۸۰)، از جمله موضوعاتی است که در جهان بینی اسلام نسبت به تاریخ مطرح می‌گردد. از این جهت است که گفته می‌شود «هویت باستانی ما متعلق به هخامنشیان، ساسانیان و اشکانیان و پیش از آن‌ها است. این هویت باستانی و تاریخی را اکنون ما احساس نمی‌کنیم و قهرمانان و افتخارات آن در بین ما حیات روشنی ندارد در حالی که وجود هویت مذهبی به صورت بالفعل، تکیه به فرهنگ اسلامی مان است و بازگشت به خویشتن اسلامی (شریعتی ۱۳۷۹، ۲۹). تأیید، تأسیس، امضاء و ابطال سنت‌های ملل گذشته در انطباق با حقیقت اسلام (قائمی مقدم ۱۳۸۴، ۳۰-۳۷) نشانه‌ای از توجه اسلام به این اصل می‌باشد. اسلام در بیشتر قوانین معاشی جامعه-ها، با قوانین گذشته آن‌ها که بر اثر احتیاجات واقعی آن‌ها به وجود آمده موافقت دارد و اینگونه احکام را در فقه، احکام امضایی می‌گویند (سید قطب ۱۳۵۴، ۱۷). شریعت- شهر اسلامی شهری است که در آن وجوه حقیقت، عامل وحدت‌بخش امت واحده آن است. هویت و اصالت جامعه اسلامی در معرفت الهی و هویت انسانی و الهی آن نهفته است نه در هویت‌های قومی و جغرافیایی. اگرچه اسلام به سرزمین‌ها احترام قائل بوده دفاع از میهن را وظیفه دانسته است، زمانی که وجه هویت‌های قومی بر هویت اسلامی غالب گردد چنین هویتی از نظر اسلام مطرود می‌باشد.

آن در گزینش راه بهتر و مناسب، بدبختی انسان و زیانکاری وی در صورت عدم استفاده از آنها (فلسفی ۱۳۷۲، ۳۲۱-۳۱۳) از موضوعاتی است که در بررسی منابع شریعت اسلامی ذکر شده‌اند. این موضوع به مفهوم واقعی سنت در تکامل بشری معتقد بوده و بستر زمان را وسیله تداوم سنت‌های نیک می‌شناسد. از این منظر، لزوم آگاهی به زمان، شریعت را مفهومی پاینده و زاینده می‌سازد. از نظر شولتز «مهم این است که هر مکانی درست مانند هر چیز دیگری که وجود دارد، در ضمن هرگونه تغییری هویت خود را حفظ کند. تداوم و دگرگونی به این امر دلالت دارد که به رغم همه تغییرها و دگرگشت‌ها چیزی پابرجا و ثابت می‌ماند. مکان هم ثابت دارد و هم برخوردار از تغییر است... می‌شود همان که هست ماند بی‌آنکه با گذشته این همان شد... هر مکانی باید هویت خود را از طریق تغییر و تحول درونی حفظ کند. یعنی همان ماند بی‌آنکه با خود این همان شود» (میرمقتدایی و طالبی ۱۳۸۵، ۲۰). "شهر اسلامی، ضمن آنکه در حال تحول است، مدام در راه اصلاح خویش گام بر می‌دارد. آنچه را که حفظ می‌کند، نه کالبد به‌جای مانده از گذشتگان که اصول و ارزش‌های حاکم بر آنهاست و حتی اگر کالبدی را حفظ می‌کند، نه بر مبنای تفکر موزه‌ای که بر پایه تفکر عبرت‌گیری و تذکردهی آنهاست و توجه دادن انسان به ارزش‌ها و ضد ارزش‌هایی است که موجد آن بوده‌اند" (نقی‌زاده ۱۳۷۷، ۵۷).

و غیره لغات معنی‌دار زبان طراحی شهری خودی بوده و پارک، پاساژ، هال، بلوار و غیره لغات معنی‌داری تلقی نمی‌شوند. از این جهت، مرکزیت، وحدت، سلسله‌مراتب، قابلیت انعطاف، محرمیت و غیره از اصول و قواعد خودی و شبکه‌های شطرنجی منظم، منطقه‌بندی خشک، تضاد همجواری‌ها، بی‌هویتی و عدم توجه به مقیاس انسانی جزء اصول بیگانه به‌شمار می‌روند (بحرینی ۱۳۷۴، ۳۴۶).

• اصل تداوم در عین تحول (ثابست‌ها و ناشابست‌های انسان در رابطه با تاریخ و نقش ساختار کالبدی شهر در تبیین آن)

اهمیت شناخت تاریخ، تشویق به شناخت تاریخ و استفاده از تجارب و عبرت از پیشینیان (۱۳۸۸، ۷۴-۶۷) لزوم آگاهی به زمان (محمدی ری شهری ۱۳۸۵ الف، ۱۳۵-۱۳۰) ترغیب به پایبندی به سنت‌های نیک و پرهیز از ایجاد سنت‌های ناپسند، (محمدی ری شهری ۱۳۸۵ ب، ۴۲۳-۴۱۶)، اهمیت استفاده از تجارب و به‌کار گرفتن آن در زندگی، بینش و بصیرت انسان، در نتیجه توجه به آنها همانندی امورات جهان و لزوم توجه به تجارب در پیش-بینی امور و اهمیت استفاده از آنها در سعادت انسان ضمن دوری اعمال انسان از خطا و اشتباه در نتیجه استفاده از آنها، افزایش دانش انسان در استفاده از تجارب و تلقی از آن به ملاک فهم و ارزش انسان، لزوم استفاده از تجارب در کاهش غفلت‌های انسان، وجود دانشی نو در آنها، اهمیت

نتیجه‌گیری

گستره تعالیم و مقررات شریعت اسلامی، مطابق جدول (۱) ارائه نموده است.

تحقیق حاضر، چپستی شهر از منظر شریعت اسلامی را مطرح و اصول و مؤلفه‌های هدایت‌بخش ساختار کالبدی شهر را در انطباق با حوزه ارتباطات انسان در شریعت و

جدول ۱: دستیابی به اصول و مؤلفه‌های هدایت‌بخش ساختار کالبدی شهر از منظر شریعت اسلامی.

ارتباطات انسان در شریعت				گستره تعالیم و مقررات شریعت
رابطه با تاریخ	رابطه با طبیعت	رابطه با خویشتن و جامعه	رابطه با معبود	
اصل حقیقت در واقعیت	اصل وحدت با طبیعت	اصل امت واحده اسلامی	اصل عقیده وحدت بخش	عقیده توحیدی در تبیین ارکان هستی
اصل شباهت با خود و تمایز با غیر خود	اصل قناعت	اصل لاضرر و لاضرار	اصل عبادت	محرمات (بایدها و نبایدها)
اصل تداوم در عین تحول	اصل احیای طبیعت	اصل تعامل اجتماعی مستحکم	اصل وحدت معاد و معاش	مستحبات (شایسته‌ها و ناشایسته‌ها)

اهمیت شریعت اسلامی را تبیین و مؤلفه‌های مکان‌های شهری را در عرصه‌های اجتماعی، زیست‌محیطی و فعالیت‌ها و رفتارها، نیازمند به مقرراتی بی‌زمان و عقلانی و منطقی شریعت می‌نماید. آنچه از مجموعه مطالعات قابل استنباط است، جامعیت فرهنگی اسلام در توجه به عقل و عرف است. **ترکیبی از شرع و عقل و عرف و تألیفی از جهان‌بینی، زمان و زمینه.** لزوم توجه به سنت‌های نیک در بستر عرف‌های جاری در فرهنگ روزمره و ضرورت توجه به عقل و مقتضیات زمان در بهره‌گیری از احکام اولیه اسلامی، الگوواره‌هایی از نگرش اسلام به ارکان هستی را ارائه داده است. الگوواره‌ای که فلسفه و منطق جزء‌نگر حاکم بر جهان معاصر، هر بخشی از آن را به عنوان رهیافتی در حل بحران‌های جهان معاصر مطرح می‌کند. پایداری اجتماعی در توجه اسلام به انسان و جامعه و سطوح مختلفی از ارتباطات اجتماعی انسان، پایداری زیست-محیطی در تبیین حفاظت از طبیعت به‌عنوان وجهی عبادی و توصیه به قناعت و صرفه‌جویی، پایداری ایدئولوژیکی انسان معاصر در وادی‌های معرفت‌شناختی جهان معاصر و بن‌بست‌های فلسفه انسان‌ساخت و در نهایت پایداری ارزشی در توجه به هویت به‌عنوان وجهی انسانی- الهی فارغ از تعصبات قومی و قبیله‌ای، اهمیت و ضرورت انگاره تحقیق را تبیین می‌نماید. در چنین سروده‌ای از فرهنگ و

با توجه به موارد یاد شده «شریعت- شهر اسلامی» شهری است که منطبق با قوانین و دستورالعمل‌های اسلام بوده و با توجه به شمولیت زمانی و مکانی اسلام بتواند در زمان‌های مختلف و با تغییر نیازها و اقتضائات زمانی پاسخگوی نیازهای انسانی و تنظیم‌کننده روابط و رفتارهای انسانی باشد. این خصلت از شریعت اسلامی، شهر اسلامی را ضمن حفظ روحیه اسلامی، قابل حضور در عرصه‌های مختلف پیشرفت و توسعه قرار داده و بی‌زمانی قوانین اسلامی و توجه به منافع انسان‌ها، «شریعت- شهر اسلامی» را شهر زندگی و سکونت انسان مسلمان معاصر تبیین می‌نماید. توجه اسلام به عقلانیت و سماحت و سهولت اسلام در تدوین قوانین و مقررات و همچنین احترام اسلام به تجارب بشری، شهر اسلامی را از تجارب و اندیشه‌های بشری غنی ساخته و هرگز آن را در چنگال زمان گرفتار نمی‌سازد. ساخت شهر در گستره جغرافیایی و طبیعی و دخل و تصرف انسان در مواهب طبیعی و اهمیت موضوع پایداری در بحران‌های زیست‌محیطی معاصر و قانون‌گذاری اسلام حتی در حقوق زیست‌محیطی برای انسان، بحران معناشناختی انسان معاصر و سرگردانی انسان بی‌مکان در وادی‌های معناشناختی و حقیقت‌جویی و تبلور اسلام به عنوان حقیقت‌نهایی و کمال ادیان و حتی ارائه قوانین و دستورالعمل‌هایی برای انسان در رابطه انسان با معبود،

اعتقاد و حیانی، گستردگی و همه شمولیت قوانین اسلام در توجه به کم و کیف زندگی انسان و تعریف شهر از منظر شریعت، انگاره تحقیق را بیش از آنکه انگاره‌ای بومی تلقی نماید، به انگاره‌ای جهانی بدل می‌کند. از این جهت، شهر معاصر یا هر تئوری جامع و مانعی که بتواند در ارتباط انسان با معبود، با خویشتن و جامعه، با طبیعت و با تاریخ ضمن توجه به اصول و مؤلفه‌های تحقیق راهگشا باشد، قابلیت استفاده در شهر اسلامی معاصر را دارد. از این نظر اصول و مؤلفه‌های تحقیق می‌تواند به‌عنوان یک تئوری جامع، نقشی

کنترل کننده در پذیرش الگوهای غیر بومی داشته و میزان یا نحوه استفاده از تئوری‌های غربی تا زمانی که در احترام به اصول و مؤلفه‌های تحقیق بوده و یا در انطباق با آن باشد، استفاده گردد. همچنین تبیین شاخص‌های کالبدی انگاره تحقیق در هر کدام از اصول و مؤلفه‌های یاد شده می‌تواند تئوری مطرح شده را از بنیان نظری به کاربردی سوق داده و به‌عنوان یک تئوری جامع در شهرسازی معاصر تبیین نماید.

پی‌نوشت‌ها

۱. مطلق‌گرایی حاصل از زمینه علمی مدرنیسم، در نهایت به صدور حکم و تعمیم استانداردهای جهان‌شمول انجامید چون به‌نظر می‌رسید همه آحاد بشر باید به سرعت توسعه یابند و برای توسعه نیز راهی بود که از طریق اصول محکم، مطلق و قطعی مدرنیسم می‌گذشت. تلقی جنبش مدرنیسم از نیازهای [انسان] تلقی ساده اندیشانه‌ای بود که پیچیدگی نیازهای متنوع انسانی را تا سطح نیازهای زیست‌شناختی تقلیل می‌داد (براتی ۱۳۸۳، ۱۳).
۲. آنچه امروز به عنوان فرهنگ جهانی یاد می‌شود، با فرهنگ‌های مستقل و بومی انسان در شرایط مختلف جغرافیایی مورد تهدید واقع شده است. اگرچه به ظاهر فرهنگ جهانی برای انسان معاصر در نظر گرفته شده، اما توان پاسخ‌گویی به ابعاد مهم زندگی او را ندارد. فرهنگ‌های بومی با بار اسطوره‌ای و تمثیلی قادرند اساسی‌ترین سوالات انسان معاصر را در خصوص زندگی و اهداف آن پاسخ دهند (شایگان ۱۳۸۰، ۱۱۸).
۳. از نظر «بسیم سلیم حکیم»، اصول سنتی ساخت و ساز ملهم از فرهنگ جاری مردم و عرف‌های رایج در شکل‌دهی به واحدهای ساختمانی بوده است. برای اثبات موارد استخراجی و یافته‌های تحقیق از فتاوی و احادیث و آیات بهره‌جسته و در نهایت یافته‌های تحقیق را در زمینه‌های «ضرر و زیان»، «وابستگی متقابل در طراحی واحدهای همسایگی»، «حریم»، «حق استفاده اولیه»، «حقوق مربوط به بهره‌برداری»، «احترام به مالکیت دیگران»، «حق شفعه»، «عدم جواز انسداد معابر»، «تعیین نحوه استفاده از آب مازاد»، «حق فینا» و «تعیین عرض معابر منطبق با نوع استفاده» منطبق با مدل زبان طراحی شهری در اجزاء و روابط میان اجزای شهری به ساختار کالبدی شهرهای معاصر تعمیم داده است. از نظر حکیم عمل به قوانین شرع و عرف، سیمایی وحدت‌یافته از شهر اسلامی ایجاد کرده است.
۴. «یک سلسله قوانین با گذشت زمان و پیشرفت تمدن عوض می‌شود و آن قوانینی است که مربوط به اوضاع و احوال خاصی بوده است ولی یک سلسله قوانین دیگر که مربوط به اصل انسانیت که قدر مشترک میان همه انسان‌ها در تمام ادوار و در تمام شرایط و محیط‌هاست، لایتغیر است» (طباطبایی ۱۳۹۱ ب، ۷۶). از خصوصیات دین مقدس اسلام این است که همیشه روی حاجت‌های ثابت انسان مهر ثابت زده و حاجت‌های متغیر انسان را تابع حاجت‌های ثابت قرار داده است (مطهری ۱۳۸۶، ۱۳۲). آنچه اهمیت دارد مسائل نو و تازه‌ای است که پیدا می‌شود و باید دید که این مسائل با کدامیک از اصول اسلامی منطبق است (مطهری ۱۳۸۶، ۱۴۰).
۵. فقهی که از سده سیزدهم هجری توسط شیخ انصاری پایه‌ریزی می‌گردد، به کلی ناسخ ماسبق می‌گردد (ر.ک.: ولایتی، علی‌اکبر. ۱۳۸۹. فرهنگ و تمدن اسلامی. چاپ بیست و یکم قم: برهان).
۶. جامعیت فرهنگی اسلام در تمام ابعاد حیاتی انسان شامل ادب، خصال، علم، اخلاق به مفهوم عمومی آن (جعفری ۱۳۷۹، ۱۷۰) تضمین سعادت زندگی انسان در همه شئون زندگی و تعیین خط مشی در همه ابعاد گوناگون زندگی فردی و اجتماعی و هدایت انسان به سوی کمالات نفسانی و اجتماعی (تجلیل ۱۳۸۹، ۷)، جامعیت و واقع‌گرایی در توجه به همه جوانب نیازهای انسانی، اعم از دنیوی و اخروی، جسمی و روحی، عقلی و فکری، احساسی و عاطفی و فردی و اجتماعی (مطهری ۱۳۷۷، ۶۵)، احاطه و جامعیت علمی برای تمام حرکات و سکنات و رفتار و کردار بشر و وضع حدود و

مقررات و احکام مناسب در اقتضای زمان و مکان، توجه توأمان به دین و دنیا، حفظ موازنه و تعادل بین جسم و جان و دنیا و آخرت (طباطبایی ۱۳۹۱ الف، ۲۳-۲۶) از ویژگی‌های دین مبین اسلام است.

۷. در فرهنگ «عمید» شریعت به مفهوم «سنت»، «طریقه»، «مذهب»، «آیین و راه و روشی که خداوند برای بندگان خود روشن ساخته» بیان شده است (عمید ۱۳۷۸، ۱۵۵۱). در فرهنگ «معین» شریعت به مفهوم «جای آب خوردن»، «جای برداشتن آب از رودخانه»، «طریقه»، «روش»، «آیین پیامبران» و «دین» ذکر شده است (معین ۱۳۸۸، ۲۰۴۲). در فرهنگ فارسی (الفبایی - قیاسی) در بیان معانی مصطلح شریعت به «طریقه»، «روش»، «محللی که آب آشامند» و در اصطلاح به «امور دینی که حضرت عزت عز شأنه برای بندگان به لسان پیغمبر تعیین نموده...» اشاره شده است (مشیری ۱۳۷۷، ۱۱۴۳). در فرهنگ «دانش آموز سخن» برای واژه «شرع» معانی مصطلح «دین»، «آیینی که پیغمبران آورده‌اند»، «اصول و قوانین دین» بیان شده است (انوری ۱۳۸۴، ۲۹۵). در فرهنگ کنایات سخن، در بیان معانی مصطلح برای واژه شرع با بیان عبارت «شرع انور» به «دین اسلام» اشاره شده است (همان ۱۳۸۳، ۱۰۲). در فرهنگ «فارسی تاجیکی»، در بیان معانی مصطلح واژه شریعت به «آیین»، «طریقت»، «سنت»، «مذهب»، «عادت»، «مسلك» و «راه و قانون‌های دین اسلام» بیان شده است. به زعم سلیم (۱۳۸۰، ۱۳) در اثر ارزشمند «شریعت، طریقت و حقیقت»، واژه شریعت را در لغت به معنی «راه» بیان کرده و مراد از «راه» را «راه سلامت و سعادت در هر دو جهان» معرفی کرده است.

فهرست منابع

- اجلی، محمد. ۱۳۸۴. *انسان و جهان*. تهران: چاپ و نشر بین الملل.
- اختری، عباسعلی. ۱۳۶۱. *خطوط اصلی و کلی جهان‌بینی و ایدئولوژی اسلامی*. تهران: موسسه انجام کتاب.
- اخوت، هانیه، نینا الماسی فر و محمدرضا بمانیان. ۱۳۸۹. *معماری و شهرسازی سنتی در کشورهای اسلامی*. تهران: هله / طحان.
- اردلان، نادر، و لاله بختیار. ۱۳۸۰. *حس و وحدت؛ سنت عرفانی در معماری ایران*. ترجمه حمید شاهرخ. تهران: نشر خاک.
- امین‌زاده، بهناز، و محمد نقی‌زاده. ۱۳۸۱. *آرمانشهر اسلام شهر عدالت*. مجله علمی پژوهشی *صفه* ۳۵ (۱۲): ۲۱-۳۱.
- انوری، حسن. ۱۳۸۳. *فرهنگ فشرده سخن*. تهران: کتابخانه ملی ایران. چاپ دوم.
- بحرینی، سید حسین. ۱۳۷۴. *زبان طراحی شهری خودی*. در *نخستین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی*. ج ۲. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- بحرینی، سید حسین، و گلناز تاج‌بخش. ۱۳۷۸. *مفهوم قلمرو و فضاهای شهری و نقش طراحی شهری خودی در تحقق آن*. نشریه علمی پژوهشی *هنرهای زیبا* (۶): ۱۸-۳۱.
- براتی، ناصر. ۱۳۸۳. *جهان‌بینی کل‌نگر در برابر رویکرد جزء‌گرایانه در شهرسازی*. *فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر* ۱(۱): ۷-۲۴.
- بمانیان، محمدرضا. ۱۳۸۶. *رهیافت‌هایی در تبیین معماری مسلمین*. تهران: سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
- بemat، نجم‌الدین. ۱۳۶۹. *شهر اسلامی*. ترجمه محمدحسین حلیمی و منیژه اسلامبولچی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بورکهاردت، تیتوس. ۱۳۷۰. *ارزش‌های جاویدان هنر اسلامی*. *جاویدانگی هنر*. ترجمه سید محمد آوینی، گردآورنده سید محمد آوینی. تهران: برگ.
- تجلیل، ابوطالب. ۱۳۸۹. *ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها در قرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ چهارم.
- تولایی، نوین. ۱۳۸۱. *شکل شهر منسجم*. نشریه علمی پژوهشی *صفه* (۳۵): ۵-۱۸.
- جعفری تیریزی، محمد تقی. ۱۳۸۹. *زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام*. تهران: موسسه نشر و تدوین آثار علامه جعفری. چاپ هفتم.
- حبیبی، سیدمحسن. ۱۳۷۷. *مکتب اصفهان در شهرسازی*. نشریه علمی پژوهشی *هنرهای زیبا* (۳): ۵۳-۴۸.
- حکیم، بسیم سلیم. ۱۳۸۱. *شهرهای عربی- اسلامی اصول شهرسازی و ساختمانی*. ترجمه محمد حسین ملک اقدمی و عارف اقوامی مقدم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خدایاری، ناصر. ۱۳۸۰. *ایدئولوژی و بسیج سیاسی در انقلاب اسلامی ایران*. تبریز: سالار.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۷. *دین‌شناسی*. قم: اسراء. چاپ پنجم.
- ———. ۱۳۹۱. *مفاتیح الحیات*. قم: اسراء. چاپ پنجاه و هفتم.
- دستغیب شیرازی، سید عبدالحسین. ۱۳۶۱. *گناهان کبیره*. تهران: کانون ابلاغ اندیشه‌های اسلامی.

- رهنما، اکبر. ۱۳۸۴. سیمای ویژگی‌های انسان مطلوب از دیدگاه تربیتی اسلام. مجله علمی پژوهشی تربیت اسلامی (۱): ۱۱۱-۱۲۴.
- رستمی، محمد حسن. ۱۳۸۶. سیمای طبیعت در قرآن. قم: بوستان کتاب. چاپ دوم.
- زیبا کلام، صادق. ۱۳۸۶. ما چگونه ما شدیم؟ ریشه‌یابی علل عقب‌ماندگی در ایران. تهران: روزنه. چاپ هجدهم.
- سبجانی، جعفر. ۱۳۶۱. جهان بینی اسلامی. قم: توحید.
- سعیدی رضوانی، عباس. ۱۳۷۲. بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی، مقدمه‌ای بر جغرافیای سرزمین‌های اسلامی. مشهد: استان قدس رضوی.
- سلیم، محمدرضا. ۱۳۸۰. شریعت، طریقت و حقیقت. تهران: روزنه.
- سید قطب، محمد. ۱۳۵۴. ویژگی‌های ایدئولوژی اسلامی. ترجمه سید محمد خامنه‌ای. تهران: انتشارات موسسه ملی.
- سیفیان، محمد کاظم. ۱۳۷۴. قالب و محتوا در معماری اسلامی. نشریه علمی پژوهشی هنرهای زیبا (۱): ۵۶-۵۸.
- سیفیان، محمد کاظم و محمودی، محمدرضا. ۱۳۸۶. محرمیت در معماری سنتی ایران. نشریه علمی پژوهشی هویت شهر (۱): ۳-۱۴.
- شایگان، داریوش. ۱۳۸۰. افسون زدگی جدید؛ هویت چهل تکه و تفکر سیار. ترجمه ولیانی. تهران: نشر پژوهش فرزاد روز. چاپ سوم.
- شریعتی، علی. ۱۳۷۹. بازگشت به خویشستن و نیازهای انسان امروز. تهران: پرتو.
- —. ۱۳۵۸. جهان‌بینی توحیدی. تهران: بنیاد شریعتی.
- طباطبایی، محمد حسین. ۱۳۸۶. روابط اجتماعی در اسلام. قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ دوم.
- —. ۱۳۹۱ الف. تعالیم اسلام. به کوشش سید هادی خسروشاهی. قم: بوستان کتاب. چاپ هشتم.
- —. ۱۳۹۱ ب. بررسی‌های اسلامی. به کوشش سید هادی خسروشاهی. قم: بوستان کتاب. چاپ سوم.
- عزیزاده، هوشمند، و کیومرث حبیبی. ۱۳۹۰. عوامل شکل‌دهنده شهرهای تاریخی مسلمانان. مجله علمی پژوهشی شهر ایرانی اسلامی (۳): ۷۱-۷۶.
- عمید، حسن. ۱۳۷۸. فرهنگ لغات عمید. تهران: امیرکبیر. چاپ ششم.
- عمید زنجانی، عباسعلی، و محمد مهدی توکلی. ۱۳۸۶. حقوق بشر اسلامی و کرامت ذاتی انسان در اسلام. فصلنامه حقوق (۳۷): ۱۸۹-۱۶۱.
- فلسفی، محمد تقی. ۱۳۷۲. الحدیث. تهران: مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. چاپ نهم.
- قائمی مقدم، محمد رضا. ۱۳۸۴. روش عبرت‌دهی در قرآن. تربیت اسلامی (۱): ۹-۳۸. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم.
- گروت، لیندا، و دیوید وانگ. ۱۳۸۸. روش تحقیق در معماری. ترجمه علیرضا عینی فر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- لنینچ، کوین. ۱۳۷۵. سیمای شهر. ترجمه منوچهر مزینی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ماتلاک، جان. ۱۳۷۹. آشنایی با طراحی محیط و منظر. ویراستار حسنعلی لقایی. تهران: سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهر تهران.
- محمدی ری‌شهری، محمد. ۱۳۸۶. انسان‌شناسی از منظر قرآن و حدیث. قم: دارالحدیث.
- —. ۱۳۸۵. میزان الحکمه. ترجمه حمیدرضا شیخی. قم: دارالحدیث.
- —. ۱۳۸۷. فرهنگ نامه مسجد. مترجم مرتضی خوش نصیب. قم: دارالحدیث.
- مرتضی، هشام. ۱۳۸۷. اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام. ترجمه ابوالفضل مشکینی و کیومرث حبیبی. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، وزارت مسکن و شهرسازی.
- مشیری، مهشید. ۱۳۷۷. فرهنگ الفبایی- قیاسی زبان فارسی. تهران: سروش.
- مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۸۸. جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن. قم: موسسه در راه حق.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۵۸ الف. جهان‌بینی توحیدی؛ وحی و نبوت. قم: صدرا. چاپ دوم.
- —. ۱۳۵۸ ب. مقدمه‌ای بر جهان‌بینی توحیدی. ج ۲. قم: صدرا.
- —. ۱۳۷۷ الف. عدل الهی. قم: صدرا. چاپ یازدهم.
- —. ۱۳۷۷ ب. انسان و ایمان. قم: صدرا. چاپ شانزدهم.
- —. ۱۳۷۸ الف. آشنایی با علوم اسلامی؛ کلام-عرفان- حکمت عملی. ج ۲. قم: صدرا. چاپ شانزدهم.
- —. ۱۳۷۸ ب. آشنایی با علوم اسلامی؛ اصول فقه- فقه. ج ۳. قم: صدرا. چاپ ششم.
- —. ۱۳۸۷. مسئله شناخت. قم: صدرا. چاپ بیست و دوم.
- —. ۱۳۸۹. جامعه و تاریخ. قم: صدرا. چاپ بیست و سوم.

- ____ . ۱۳۹۰. مسئله حجاب. قم: صدرا. چاپ هشتم و هشتم.
- مظاهری، حسین. ۱۳۸۷. حریم‌های اخلاق در آینه احکام. اصفهان: حدیث راه عشق.
- معین، محمد. ۱۳۸۸. فرهنگ فارسی. تهران: امیر کبیر.
- موسوی خمینی (ره)، روح‌الله. ۱۳۷۱. شرح دعای سحر. تهران: اطلاعات.
- میرمقتدایی، مهتا و ژاله طالبی. ۱۳۸۵. هویت کالبدی شهر مطالعه موردی تهران. تهران: مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.
- نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۸۰. حفظ ارزش‌های فرهنگی در معماری و شهرسازی، جامعه و فرهنگ (مجموعه مقالات). ج ۵. تهران: آرون.
- ____ . ۱۳۸۷. درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی. تهران: پیام سیما.
- نقی‌زاده، محمد. ۱۳۷۷. صفات شهر اسلامی در متون اسلامی. نشریه علمی پژوهشی هنرهای زیبا (۵ و ۴): ۶۱-۴۷.
- ____ . ۱۳۸۵. معماری و شهرسازی اسلامی. اصفهان: راهیان.
- ____ . ۱۳۸۶. ادراک زیبایی و هویت شهر در پرتو تفکر اسلامی. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- ____ . ۱۳۸۹. سلسله مراتب تفکر توحیدی و سازمان فضایی شهر در تفکر اسلامی. ماه هنر (۱۴۴): ۷۹-۶۶.
- نقی‌زاده، محمد، و بهادر زمانی و اسلام کرمی. ۱۳۹۰. ملاحظات فرهنگی در شکل‌دهی به نماهای شهری با تکیه بر ساختار کالبدی نماهای شهری ایرانی در دوران اسلامی. مجله علمی پژوهشی هویت شهر (۷): ۷۴-۶۱.
- ولایتی، علی اکبر. ۱۳۸۹. فرهنگ و تمدن اسلامی. قم: برهان. چاپ بیست و یکم.



The Paradigm of Islamic Sharia- Shahr

Islam Karami

Assistant Professor, Faculty of Engineering, Department of Architecture, Islamic Azad University of Ardabil, Ardabil, Iran.

Although in the structural approaches to the concept of place identity, various aspects of the built environment, natural environment, social environment and human activities are considered as the factors of the city identifying. In the normative approaches, adaptation of the socio-spatial structure of the city with the values, culture and human needs have major contribution in its identity. With regard to the relationship between culture and place identity (architecture and urbanism as the lives of humans) and the Islamic sketch of sharia as a comprehensive culture and the Islamic style of life, research question, the nature of the city (Islamic sharia- Shahr) and the purpose of the study is to achieving the principles and the city guided components from the perspective of Islamic law. The need to redefine urban spaces and the architecture comply with the guidelines of Islamic sharia and necessity to investigate the teachings of sharia from the perspective of contemporary Shia scholars also, due to the requirements of time, is the importance of this study. The methodology of this study is the logical reasoning which was studied through the documentary studies and content analysis of Islamic texts in accordance with the socio-spatial structure. The research result confirmed that

the sharia while benefiting from the concept of present day, was given teachings and instructions for the human that these teachings and instructions has attainability and compliance with the terms of its spatial and temporal conditions and the comprehensiveness of the Islamic teachings is to the extent that has ability to explain the theoretical framework for the city which is the context of human activity and behaviors. In achieving to the principles and elements of implementation of the research sketch, by defining monotheistic belief and applied ethics there are (do's and don'ts and proper and improper), principles and parameters of the sketch of research in the relationship between man and God (principles of unifying belief, worship and resurrection unity and sustenance, community (principles of Islamic community, health and safety and the strong social interaction), nature (principles of unity with nature, contentment and revival of nature) and history (principles of truth in reality, their similarities and differences with the non-self and continuity while transformation).

Keywords: Islamic City, The Monotheistic World, Unlawful and Desirable.